

تحول اجتماعی و نقش تامین اجتماعی

عدم ثبات و اطمینان به زندگی بشری و فعالیت‌های او در جهت امرار معاش، موضوعی است که در دنیای کنونی به عنوان حقیقت و امری مسلم مطرح است. در حال حاضر عده کثیری از جهانیان برای امروز زنده‌اند و روز به روز برای زندگی خود طرح و برنامه‌ریزی می‌کنند. چرا که نمی‌دانند آیا به واقع برای فردا غذایی برای خوردن، سرپناهی برای زیستن و منبع درآمدی برای امرار معاش خواهند یافت، آیا تضمینی برای پیری و بازنشستگی و حتی مرگ ایشان وجود دارد، هدف از این مقاله که قسمت‌هایی از آن در شماره‌های گذشته درج گردید، توجه به موقعیت زنان و مردان، پیران و جوانان در شهرها و روستاهای کشورهای در حال توسعه است. اینک ادامه مطالب از نظر شما خواهد گذشت:

نویسنده: «میلی ج. تان» Mely.G.tan

(عضو هیأت علمی مرکز تحقیقات دانشگاه آتماجایای اندونزی)

مترجم: علیرضا عیاری

(قسمت دوم)

تدابیر سیاسی اتخاذ شده	لزوم ارتقای شرایط سطح زندگی افراد و	افرادى تعلق مى‌گیرد که در شرایط
همگام با مفهوم موسوم و متداول	حمایت آدمها در برابر گرفتاریها و	استخدام به سر می‌برند و یا به عبارت
«اشاعه تساوی حقوق» و آشناسازی	مصیبتها در تمام ابعاد زندگیشان	دیگر به صورت رسمی در مراکز
مردم مشرق‌زمین با توسعه و پیشرفت	نمی‌گردند. این گروه، اکثریت قریب به	مختلف مشغول به کار هستند و نام آنها
پایا، چه از لحاظ اقتصادی و چه از	اتفاق مردم را تشکیل می‌دهند. در اکثر	در لیست حقوقی مرکز مربوط ثبت
لحاظ زیست محیطی، توجه بیشتری به	کشورهای رو به رشد، برنامه‌های تأمین	گردیده است؛ حال فرق نمی‌کند که در
سوی آن گروه مردمی معطوف گشت که	اجتماعی که متضمن تأمین چنین	یک ارگان دولتی خدمت کنند و یا در
مشمول برنامه‌های مربوطه مبتنی بر	حمایتهایی هستند، صرفاً به آن دسته از	یک اداره خصوصی. در بسیاری از

کشورهای مذکور این برنامه‌ها تنها از دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ عرضه گردیده‌اند که تمام آنها از برنامه‌ای به عنوان «الگوهای برنامه‌های توسعه یافته در غرب» ناشی شده‌اند. با وجود اینکه در دنیای صنعتی شده غرب، اکثر کشورها، تقریباً از دهه ۱۹۵۰ به بعد، دارای پوشش جامع و عمومی یا تقریباً عمومی بوده و امروزه نیز تأمین اجتماعی جزء اصلی و محوری رفاه عمومی کشوری محسوب می‌گردد، با این حال در اکثر کشورهای رو به رشد، گسترش و افزایش سطح این پوشش‌دهی و تخصیص آن به تمام شهروندان هنوز هم از مرحله کلام، گام را فراتر ننهاده و شاید در واقع طرح آن به تعویق افتد و یا اینکه روزی به دست فراموشی سپرده شود. در جهان صنعتی غرب، جهت تأمین رفاه عمومی سهم عظیمی از بودجه کشور به این کار اختصاص یافته است و در این زمینه شاهد عکس‌العمل‌های شدیدی بوده و شاید متحمل زیان‌هایی هم شده‌اند. تعلل در اجرای این برنامه‌ها، نه تنها تا حدودی به دلیل وجود منابع محدود دولت است، بلکه همچنین از تصویری نشأت می‌گیرد مبتنی بر اینکه افرادی که تحت پوشش این برنامه‌ها قرار نمی‌گیرند، مسلماً از طریق خانواده، خویشاوندان، گروه‌های اجتماعی و یا جامعه حمایت می‌شوند.

«جیمز میجلی»، متبحر و متخصص در امور رفاه اجتماعی و سیاست اجتماعی در سطح بین‌الملل، در مقاله جنجال‌برانگیز خویش تحت عنوان: «اتخاذ سیاست تأمین اجتماعی در کشورهای روبه رشد ضامن اثتلاف و انسجام کشور و سیستم‌های دیرینه»، به درستی یادآور می‌شود که بسیاری از دولتها، مشکل این پوشش‌دهی غیرمنصفانه را تشخیص داده‌اند و قصد دارند راه علاج و حل این مشکل را دریابند. انتظار می‌رود که با گسترش و بسط اقتصاد کشور و جذب هر چه بیشتر نیروی انسانی به سمت مراکز و بخش‌های رسمی، افراد بیشتری تحت پوشش این برنامه‌های تأمین اجتماعی قرار گیرند. این دیدگاه ریشه در تئوری نظریه نوسازی و مدرنیته شدن دارد و توسط تکنوکرات‌ها تحت لوای برنامه‌های رشد و توسعه مطرح گردیده است. به هر حال، به دلیل ایجاد تزلزل و وجود موانع ناگهانی و غیرمترقبه در رشد اقتصادی، بسیاری از کشورها (شاید به غیر از کشورهای آسیای شرقی) در شرایطی نیستند که حقیقت این قصد و نیت را دریابند و به ماهیت آن پی برند. «میجلی» اذعان می‌کند که راه‌حل و جواب ممکن باید در اتخاذ برنامه‌های تأمین اجتماعی کشور و سیستم‌های حمایتی اصیل سنتی جستجو شود.

می‌توان با عقیده وی موافق بود، چرا که این نظر، در برگزیده تقویت تحکیم و بقای سیستم‌های حمایتی موجود بوده و قابل دوام و رشد و ترقی می‌باشد و در عین حال، از لحاظ فرهنگی و یادگیری، در تنظیم برنامه‌ها و فعالیت‌های مشارکتی چون تأسیس تعاونیها، مورد قبول واقع می‌شود. جنبه بسیار مثبت این برنامه‌های حمایتی که بسیار نیز مطلوب است، کمک‌های مالی زیادی است که برای سرپرستی افراد نیازمند، به خصوص جوانان، پیران و افراد مریض و از کارافتاده، به خانوارها و خویشاوندان اختصاص می‌یابد. به این منظور در جوامع اسلامی، مراکزی جهت جمع‌آوری زکات و خیرات و صدقات دایرگشته است؛ و پرداخت این نقدینگی‌ها جزء اصول پنجگانه دین محسوب می‌گردد. این کمک و اعانه واجب‌الاجرا بسرای دستگیری از نیازمندان می‌تواند به عنوان عاملی محسوب گردد که مقررات و شرایطی قانونی را جایگزین مجموعه واکنش‌های محلی گرداند. عربستان سعودی جزء اولین کشورهایی است که این سیستم را پایه‌گذاری کرده و به رسمیت شناخته است. بنابراین شرکت‌های تعاونی و گروه‌های با منفعت متقابل هم وجود دارند که بر مبنای سطح جامعه محلی، به فعالیت خود سروسامان می‌دهند.

خاصی از تحقیق و بررسی که می‌بایست برای دستیابی به درک و برداشت بهتر از رابطه فیما بین تحول اجتماعی و نقش تأمین اجتماعی انجام گیرد، دو شاخه اصلی موضوعات و مباحث مطرح در بالا مورد بررسی قرار می‌گیرد. اولین موضوع مطرح شده، با جمعیت هدف سروکار داشت و دومین مسأله در مورد انواع مختلف کمک و مساعدت و حمایتی بحث می‌کند که از طرف مراکز دولتی و غیردولتی به مردم ارائه می‌گردد. با یک نگرش کلی، تمام تحقیقات و بررسیها باید به طور اخص به مطالعه زنان و مردان، به طور مجزا از هم، اختصاص یابد.



در رابطه با اولین دسته موضوعات مطرح شده، تصور می‌شود که لازم است تا تحقیق و بررسی در مسیر ذیل پیش رود:

۱- شناخت تحول و دگرگونیهای ساختاری جامعه که بر تلاشهای انجام شده برای ایجاد و اجرای امنیت در خانواده، قوم و خویشان، اجتماع و جامعه، تأثیر شدیدی می‌گذارد. چنین مطالعه‌ای، در رده مطالعات پیچیده و منسجم قرار گیرد و در اینجا این نوع مطالعه خصوصاً به تأثیر تحول و دگرگونی ایجاد شده‌ای اشاره دارد که موجب تبدیل جامعه‌ی زراعتی و کشاورزی به جامعه‌ی صنعتی گردیده است. (چنین مطالعاتی، مطالعات نقطه

شکی نیست که این اصول برای چنین اتحاد و یکپارچگی، باید که هرچه بیشتر بسط پیدا کند و جنبه امکان‌پذیر و عملی بودن آن مورد مطالعه قرار گیرد. در این زمینه، بار دیگر به جمله‌ای از «میجلی» اشاره می‌کنیم: «نهایتاً در کشورهای رو به رشد تعهد تأمین حمایت اجتماعی برای عموم مردم جامعه مستلزم الحاق سه عامل ابداع روشهای جدید، برنامه‌های موجود و تغییر و اصلاح این برنامه‌ها می‌باشد».

پیشنهادها برای انجام یک برنامه تحقیقی

در راستای طرح و پیشنهاد، نوع

مشهورترین این گروه‌ها که در آن هر دو طرف معامله ذینفع می‌باشند، مراکز کفن و دفن می‌باشند. به گردش در آوردن انجمنهای اعتباری و ارتقای سطح اعتباری جامعه، نمونه دیگری از تلاشهای جمعی مطلوب است؛ و این اقدام خود به منزله نوعی ذخیره‌سازی محسوب می‌گردد و وجود یک بُعد اجتماعی تعهدآور، انجام آن را مسیر می‌سازد. جالب آنکه تمام مثالهای «میجلی» در جامعه اندونزی دیده می‌شود. به جز چند نمونه از شرکت تعاونیهای تولیدی، مثالهای یاد شده مراکز پایانی هستند که بر پایه یک سری اصول خصوصی و اختیاری اداره می‌شوند.

اثر خواننده می‌شود، چرا که در نظر دارد اثر تغییر یک فعالیت را بر فعالیت دیگر اندازه‌گیری کند).

این تغییر، به ظهور رویدادی عظیم و تحولی اساسی به منظور شهرسازی و اسکان در شهرها منجر می‌گردد. این مسأله به از هم پاشیده شدن کانون گرم خانواده‌های گسترده و همچنین خانوارهای هسته‌ای، منتج می‌شود. نه تنها مردان، بلکه زنان نیز در جستجوی یافتن شغلی، خارج از روستا و یا حتی شهرها هستند. در بسیاری از خانوارها، این اقدام، به منزله‌ی مهاجرت جمعی زنان، این مراقبان و حامیان دیرینه و همیشگی، است.

۲- شناخت گروه‌های مختلفی که از بهره‌مندی و برخورداری از برنامه‌های قانونی تأمین اجتماعی، محروم و مستثنی می‌باشند؛ و همچنین درک خصوصیات ویژه این گروه.

۳- شناخت ویژگی‌های شاغلین و کارگران مراکز و بخش‌های غیررسمی، از جمله افرادی که انجام اموری را در منزل به عهده می‌گیرند.

مطالعات مذکور در موارد دوم و سوم، مستلزم تشخیص و شناسایی و تهیه لیست از افرادی است که مستثنی از برنامه‌های اساسی امنیتی هستند و همچنین آنهایی که در بخش‌های غیررسمی مشغول به کار هستند؛ نمونه افرادی که از این برنامه‌ها محروم

هستند، عبارتند از افراد بی‌بضاعت، سالمندان، معلولان جسمی و ذهنی و افرادی که از نظر تحصیلی و اجتماعی در سطح پایینی به سر می‌برند. قشر عظیم شاغلین مراکز و بخش‌های غیررسمی را غالباً زنان تشکیل می‌دهند، که بیشتر به صورت کارگران و مستخدمان خانگی و یا انجام دهندگان امور و حرفه‌هایی در منزل، مشاهده می‌شوند.

شناخت نیازهای مخصوص زنان شاغل و کارگر، خصوصاً لزوم حفظ سلامت و بهداشت و امنیت آنها در محل کار و ریشه‌کن ساختن تبعیض رفتاری نسبت به ایشان بخش مهم و اساسی مطالعات انجام شده بر روی کارگران و روابط کار و کارگری را تشکیل می‌دهد؛ چرا که خصوصاً در کشورهای رو به رشد، چرخ صادرات به عنوان نیروی محرکه‌ی رشد و ترقی کشور به دست زنان به حرکت در می‌آید.

۴- شناخت نیازمندی‌های پیران و افراد سالمند، که خود مستلزم دستیابی به امکانات اشتغال و استخدام آنها، به منظور حفظ میزان مشخصی از درآمد سالیانه‌ی آنها، می‌باشد. شناخت

نیازهای اجتماعی این افراد، یعنی تشخیص میزان تجربه و عقل و دانش آنها، شناخت نیازهای روحی آنان، به منظور تقویت و ارتقای سطح خود با ارزش‌بینی و عزت نفس این افراد. در زمینه نیازهای روحی - اجتماعی این گروه، لازم است مطالعه‌ای درباره‌ی میزان اختیار و قدرت این افراد انجام گیرد؛ مثلاً چگونه ایشان، استقلال خود را حفظ می‌کنند؟ و یا سیستم‌های حمایتی مختص به خود را ایجاد می‌کنند؟ و یا چگونه این افراد به خود و زندگی خویش سازمان می‌بخشند؟

۵- شناخت نیازهای بهداشتی سالمندان که در این راستا، شیوع بیماری‌های خاص، خصوصاً بیماری‌های وراثتی مورد تأکید است اما در این زمینه، همچنین نیاز به سیستم حمایتی را نیز مدنظر قرار می‌دهد. سیستمی که در راه حفظ و ارتقای سطح سلامت و بهداشت فرد و جامعه قدم برمی‌دارد. بنابراین چنین مطالعه‌ای می‌باید خدمات بهداشتی موجود مراکز سالمندان را معرفی نماید؛ مثل ذکر نام مراکز درمانی چون بیمارستانها و مراکز بهداشتی و یا حتی معرفی مراکز ورزشی و حفظ سلامت و تندرستی بدن (در این مراکز ورزش‌های عمومی و بنابر روش چینه‌ای برای این منظور ارائه می‌گردد)، علاوه بر آن لازم است



مطالعه‌های نیز بر روی برنامه‌های قانونی موجود، در راستای اجرای امنیت و تأمین اجتماعی و در جهت حفظ سلامتی و بهداشت افراد، انجام پذیرد.

۶- شناخت نیازهای مخصوص زنان شاغل و کارگر، خصوصاً لزوم حفظ سلامت و بهداشت و امنیت آنها در محل کار و ریشه‌کن ساختن تبعیض رفتاری نسبت به ایشان. این اقدام بخش مهم و اساسی مطالعات انجام شده بر روی کارگران و روابط کار و کارگری را تشکیل می‌دهد؛ چراکه خصوصاً در کشورهای رو به رشد، چرخ صادرات به عنوان نیروی محرکه‌ی رشد و ترقی کشور به دست زنان به حرکت در می‌آید. در این کشورها، زنان اداره‌ی بخش تولید کالاهای صادراتی را در

کارخانجات بر عهده دارند؛ اجناسی چون پوشاک (زیرورو) منسوجات، پافزار، فرآورده‌های دارویی و غذایی و تجهیزات الکترونیکی، اما عملاً زنان کمتر از آنچه حق قانونی آنهاست، حقوق دریافت می‌کنند و اغلب احتیاجات خاص ایشان نادیده انگاشته می‌شود. بدین جهت بررسی‌های لازم باید بر جوانب ذیل تأکید گذارد؛ جوانبی چون پرداخت حقوقی معادل کار انجام شده، مراقبت از فرزندان، مادران شاغل در ساعات اداری، فراهم آوردن تسهیلات لازم جهت پرستاری از نوزادان ایشان، فراهم آوردن امکانات

مربوط به برخی از مشاغل و وسایل، که سلامتی افراد را به خطر می‌اندازد. تمام این موارد از جمله مسائلی است که، به عنوان مثال در اندونزی، هنوز هم بر سر آن بحث و گفتگو به عمل می‌آید.

۷- بررسی مسائل مربوط به بچه‌های کارگر و شاغل خصوصاً دختر بچه‌ها و طرز برخورد با آنها.

۸- شناخت خصوصیات و ویژگی‌های بچه‌های بی‌بضاعت و محروم. مطالعات مذکور در موارد هفتم و هشتم مستلزم شناخت مسائل و ویژگی‌های مختص به بچه‌های کارگر و شاغل و دیگر بچه‌های بی‌بضاعت

بهداشتی در محیط کار و شناخت خطرات و در نظر گرفتن خطرات می‌باشد. در این زمینه تمام اعضای کشورهای ملل متحد، پیمان‌نامه‌ای را تحت عنوان «حقوق فرزندان» به‌طور رسمی تصویب و به امضاء رساندند. دستیابی به این شناخت، به واقع اجرای عملی این پیمان‌نامه محسوب می‌شود. در رابطه با دومین دسته‌ی موضوعات مطرح، اجرای موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱- مطالعات برنامه‌های دولت، مبتنی بر تدابیر اجتماعی اتخاذ شده، برنامه‌های رفاهی - اجتماعی،

برنامه‌های تأمین اجتماعی و دوران بازنشستگی و تدابیر مربوط به آن. این بررسیها، باید طی مطالعاتی بسیار دقیق انجام گیرد و در واقع اجرای عملی برنامه‌های مطرح شده را به نمایش گذارد و تأثیر تغییر و تحولات حاصل را بر افراد و طرفهای مورد بحث این برنامه‌ها، روشن سازد.

۲- مطالعه برنامه‌های دستگیری از سالمندان چه از طرف نهادهای دولتی و چه غیردولتی، این اقدام نیز، شامل ارزیابی و سنجش اجرای عملی برنامه‌ها و تأثیر آن بر برنامه‌های مورد بحث می‌باشد.

۳- شناخت ابعاد مختلف برنامه‌های تأمین اجتماعی و اصلاحات انجام شده، در این راستا باید در باره تاریخچه برنامه‌های مطرح، ابعاد و سطح پوشش‌دهی آنها و همچنین درباره اصلاحات اجرایی، بررسیهایی انجام گیرد.

۴- انجام مطالعاتی درباره چگونگی الحاق برنامه‌های امنیتی جامعه، با سیستمهای حمایتی دیرینه و سنتی، مبنای این بررسی بر پایه وجود دانش و آگاهی کافی، در مورد سیستمهای پیشین

استوار است؛ در غیراین صورت این بررسی ترجیحاً باید توسط یک انسان‌شناس حقوقی انجام گیرد. لازم است تا شناختی درباره روابط و ضوابط فی مابین برنامه‌های قانونی ایجاد امنیت در جامعه و این سیستمهای نهادی سنتی که به منطقه‌ای خاص مختص می‌گردد، فراهم آید.

۵- مطالعه‌ی نظر و عقیده گروههای مختلف، حامیان و مراقبان، کارگران و شاغلین اجتماعی، دکترا، پرستاران خصوصاً در مورد سالمندان، ناتوانان و مریضان. همیشه وجود گرایشهایی به سوی زورگویی و اقتدارطلبی و نظرات ضد و نقیض موجود، می‌تواند کلمات و واژگانی چون عزت نفس و خود با ارزش‌بینی را به واژگانی پوچ و بی‌معنی مبدل سازد و آنها را به ورطه تباهی کشاند. این حالت خصوصاً برای افراد سالمند بیشتر اتفاق می‌افتد. در مورد پیران، حتی چگونه خطاب کردن ایشان می‌تواند لطمه به عزت نفس آنها محسوب گردد. به عنوان مثال در اندونزی، این گروه با نام «پیش‌تازان جاده‌ی عمر»، قلمداد می‌شوند ولی این واژه تنها نمایانگر ترتیب زمانی سنوات

عمر ایشان می‌باشد و براین نکته تأکید دارد که دیگر آنها افرادی کارآمد و مفید نیستند و به‌طور کلی با بی‌اعتنایی به تجربیات شخصی، دانش و آگاهی چندین ساله آنان، از کنارشان عبور می‌کنند. البته واژگان و مفاهیم دیگری نیز وجود دارد که پیران را با آن نام می‌خوانند، اما تمام آنها دارای بعد معنایی مشابهی هست.

۶- آشنایی به نقش سازمانهای غیردولتی، در حمایت مستقیم از افراد کمک به پیشبرد برنامه‌های رو به رشد حمایت اجتماعی. در این زمینه مطالعات موردنظر، مستقیماً بر روی سازمانهای غیردولتی انجام می‌پذیرد که هدفشان حمایت از بی‌بضاعتان و سالمندان است. مطمئناً پاسخ به این سؤال که آیا این سازمانها در کمک‌رسانی، ایجاد سیستم حمایت جمعی، به منظور جایگزینی و یا حتی تقویت سیستمهای حمایتی قدیمی و سنتی از خانه و خانواده، مفید واقع می‌شوند، یا خیر، اقدامی سودمند تلقی می‌گردد.